



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۲۱

غلام حضرت

## نگاهی گذرا بر سناریوی قتل قوماندان عبدالرازق

نوشته اخیر استاد عزیز سید عبدالله کاظم بنده را وادار به نوشتن سطور چند پیرامون چرائی و چگونگی قتل عبدالرازق نمود.

بنده از سی و هشت سال باینطرف از زیارت زادگاه خویش (قندهار) محروم بوده ام، آنچه از زبان دوستان مقیم آنجا در باره وضعیت عمومی و کارنامه مسئولین حکومتی منجمله رازق خان می شنیدم و می شنوم مجموعه از تناقضات میباشد بنأ بنده نه در تائید و نه در رد کارنامه رزاق از کسب ثواب و کسب گناه توصیف یا تقبیح آن فقید عدول نموده و از زاویه دیگر میخوام به مسئله نگاه کنم.

من همواره معتقد به این اصل هستم که "تعقل" بهترین وسیله و اسباب تفکیک مسائل گوناگون و مرموز و پیچیده و پنهان در هاله های ابهام میباشد و بخاطر این به میدیای غربی نه اعتقاد دارم و نه اعتماد و نه اعتناء بخصوص به کاوش ها و تحلیل های میدیای غربی زیرا میدیای غربی همان خط استعماری و مدیریت افکار عمومی به نفع خود را تعقیب می نمایند البته در مورد صحت اخبار شان شاید تردید وجود نداشته چه بسا امروز تائید صحت اخبار یک امر بسیار بدیهی است ولی گپ در تحلیل وقایع نهفته بنأ در مورد پذیرش تحلیل های سیاسی و حتی اجتماعی که از حلقوم میدیای غربی بیرون میشود باید محتاط بود. اگر یک سویدنی با بنده در مورد اوضاع منطقه ما سر سخن را باز نموده با جسارت و جرئت تام برایش گوشزد نموده ام که چشمان و عقول مردم مغرب زمین فقط توسط میدیای غرب به گروگان گرفته شده و از خود استقلال ارائه تحلیل های درست و صحیح و استوار بر واقعیت ها را ندارند. جناب آقای سید عبدالله کاظم به نقل قول از سایت سلطنتی و تلبیسی بی بی سی یک تحلیل بسیار مرموز پیرامون قتل عبدالرازق نشر نموده که سخت قابل تأمل میباشد.

بی بی سی (مهم نیست از زبان چه کسی) در عمق بافت تباری و قومی مردم قندهار شینا نموده و با انگیزه های گهنه استعماری کوشیده که مسائل امنیتی- اجتماعی- سیاسی قندهار را در ظرف بافت های قومی تشریح و توضیح نماید در حالیکه این تحلیل نه تنها علمی و عینی نیست بلکه خلاف واقعیت میباشد و یا حد اقل برداشت اشخاص روشن ضمیر این است که انگلیس باز هم از هر مسئله خوش آیند و ناخوش آیند استفاده افزاری خود را میبرد. و اما در باب چگونگی قتل جنرال رازق عرض شود:

اولاً باید گفت که در گذشته ها یک صاحب منصب بیچاره با گهنه و پاره کردن چهار صد و بیست و یک جفت گیتس و بوت و زحمات و انتظار طاقت فرسا ایله به درجه جنرالی میرسید و ضمناً بخاطر کیر سین و بخاطر صرفه معاش بعد از چند ماه به تقاعد سوق داده میشد، ولی در آشفته بازار امروز و لیلام درجات نظامی هر کس و ناکس و هر بیسواد و کم سواد موفق به کسب درجه جنرالی و ستر جنرالی و حتی مارشالی میشود، بنظر میرسد که چوربازار در همه عرصه ها رونق گرفته.

اینکه جنرال رازق چرا باید با شیوه باجگیری رتبه ستر جنرالی را ربوده نیز قابل تأمل است و ثانیاً اینکه همین چند ماه پیش رازق خان با چنگ و دندان نشان دادن به مرکز، سیمت و مقام قوماندانی شهر قندهار را اصلاً مال و حق ابائی خود پنداشته و هیچ کس را قادر به خلع مقام خود نه میدید، سوال این جاست که منبع قدرت و محل اتکای اطمینان وی کجا و چه کسی بود، اگر علت و دلیل افتخار فروشی و مباحثات وی از بابت تأمین امنیت ولایت قندهار میبوده پس امنیت نسبی در تمام شهر های کشور ما حاکم بود و است باید شانه های همه قوماندان های ولایات از سنگینی وزن نشان ها و ستاره های جنرالی و ستر جنرالی خم میشدند یا خم شوند.

سناریوی کشته شدن وی بسیار پیچیده تر و غیر قابل درک تر از آن شاید بوده باشد که ما فکرش را می کنیم. اگر قرار بر این باشد که طراحان اصلی کشتن وی طالبان معرفی شوند پس ذهنیت ها مشغول این مسئله میگردد که: طالبان ادعا داشتند که هدف اصلی آنها حذف جنرال میلر بوده پس چرا جنرال میلر جان سالم بدر برد و افراد دیگر مورد حمله قرار گرفتند؟

از طرف دیگر، جنرال میلر یک آدم معمولی نیست حتماً دارای تیم محافظ بسیار زبده و قوی و دقیق میبوده و با توجه به تک بودن مهاجم، در اولین فیر مرمی باید توسط محافظین جنرال امریکائی از پا در می آمد و اصلاً فرصت فیر مرمی دووم یا سووم را باید نمیداشت.

بتاریخ دهم جنوری سال قبل در دفتر ولایت قندهار یک انفجار مهیب رخ داد که در نتیجه آن چندین نفر منجمله سفیر امارات متحده و همکارانش کشته شدند و قبل از وقوع انفجار مذکور قوماندان رازق دفتر را ترک و بیرون حضور داشت، این در حالی بود که مسئولیت بازرسی و کنترل دفتر مذکور بر عهده شخص رازق بود پس جواب دادن به این سؤال نیز ساده نخواهد بود که چگونه ممکن بود در این فضای امنیتی یک تروریست موفق به تعبیه بمب در زیر موبل های دفتر ولایت شود.

بهر حال رازق کشته شد گرچه خودش راهی گور شد ولی اسرار و معمای این واقعه با وی دفن نشده و بالأخره روزی برملا خواهد شد.

سخن آخر اینکه اگر کشور پاکستان بانی و پشتیبان اینهمه کشت و کشتار افغانهای مظلوم قلمداد شود( که حتماً اینگونه است) پس قول و قرار ناتو مبنی بر حمایت مردم افغانستان در قبال نا ملایمات احتمالی و حتمی دارای چه مفهوم خواهد بود؟

اگر این واقعیت را بپذیریم که پاکستان مسئول اینهمه سیاهی ها است پس این واقعیت را نیز باید پذیرفت که یک قدرت جهانی دیگر نیز منحصت پشتیبان در عقب کشور پاکستان قرار دارد.

پایان